

# امام خمینی (ره) و مسئله فلسطین...

دیدگاه های شهید فتحی شقایی

موضوع گیری های جدی و افشاگرانه و بسیار شفاف امام (ره) از سال های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به سیاست های استعماری غرب و شاه به عنوان مجری این سیاست ها در ایران و مخصوصاً اسرائیل چنان تأثیر به سزایی در عمق جان و روح شهید شقایی بر جای گذاشته بود که تبیین این مواضع و رساندن این تفکر دوراندیشانه امام (ره) به جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی را رسالتی بسیار جدی برای خود تلقی می نمود. تا جایی که به هر وسیله ای که می توانست به تشریح این موضع گیری های بی نظیر و وحدت بخش در میان مسلمانان می پرداخت. آنچه در زیر از نظرات آن می گذرد، بخشی از تحلیل های این شهید بزرگوار از سیر تاریخی دیدگاه های ناب و تعیین کننده تاریخ اسلام از اواخر دهه ۶۰ میلادی تا دو دهه بعد از آن محسوب می شود که تأثیر بسیار عمیقی در شکل گیری نوع نگرش و تفکر این شهید داشته است.



درآمد:

کردن دستگاه امنیتی ایران «ساواک» مشارکت جست و شاه پیش از حکومت مصدق، روابط خوبی را با اسرائیل ایجاد کرده بود و علناً آن را به عنوان یک «واقعیت» به رسمیت می شناخت. بعد از کودتا - کودتای روزولت و زاهدی و شاه - صهیونیست ها رفت و آمد مخفیانه خود به ایران را شروع کردند و توانستند بر بازارهای ایران تسلط یابند چنان که به پست های حساسی در حکومت نیز دست یافتند و این به کمک بهایی هایی بود که شاه در تقویت نفوذ خویش به آنها اعتماد جست و حجم تبادل اطلاعات میان طرفین خیلی زیاد بود. سطح مبادلات بازرگانی نیز به ۴۰۰ میلیون دلار در سال رسید. چنان که شاه یک مزدور تجاری مهمی در بازار اسلحه اسرائیلی بود و دفتر ارتباطات اسرائیل - یعنی سفارت اسرائیل در تهران - به تمام معنا یک قلعه ای بود که در خیابان کاخ (فلسطین کنونی) بر پا کرده بودند.

سفارت با دزهای آهنین و محکم احاطه شده بود و بالای ساختمان یک پل آهنی مخفی که در حالت اضطراری کاربرد داشت قرار داده بودند. کانالی را در باغچه سفارت ایجاد کرده بودند که به سردایی طولانی وصل می شد و این سرداب به یکی از مهمترین خیابان های تهران (ولی عصر کنونی) ختم می شد. همچنین دیوارهای سفارت را به برق مجهز کرده بودند و دوربین های فیلم برداری و آینه های گوناگونی را جهت مراقبت از هر حرکتی اطراف سفارت نصب نموده بودند. در داخل نیز شبکه ای، از ارتباطات مفصل بود، ایرانی ها بعداً کشف کردند که بخشی از این شبکه برای جاسوسی و استراق سمع حتی نسبت به ارتباطات جهان عرب به کار گرفته می شد، مواد غذایی موجود در سفارت همواره برای چندماه کفایت می کرد. اهمیت پرداختن به این جزئیات به خاطر این است که علی رغم روابط قوی و استثنایی که شاه با اسرائیل داشت اما اسرائیلی ها از احتمال هر تحول یا خشم مردمی در حالت ترس و وحشت به سر می بردند. بلکه آنها نهایت نفرت مردم ایران از خودشان را درک می کردند و همه اینها آن وقتی یقین شد که جمعیت خشمگین در هنگامه انقلاب اسلامی به سفارت اسرائیل هجوم برد و اسرائیلی ها را پس از آن که اسناد خود را سوزاند و شبکه

مهم ترین دولت در نظریه «اطراف» بن گورین است تنها دولتی در جهان شده است که علناً از جانب مردم و دولتش در داخل و در سطح بین المللی خواهان محو اسرائیل و کنده شدن این غده سرطانی می باشد. ترس بن گورین چقدر خواهد بود اگر بداند که دفتر سفارت اسرائیل در تهران که از بزرگترین مفصل ترین سفارتخانه های اسرائیل در جهان بود، تبدیل به اولین سفارت فلسطین شده است.

نقش سفارت اسرائیل در تهران بعد از سقوط دولت مصدق (۱۳۳۲) در ایران به واسطه کودتای معروف ۲۸ مرداد که «کیم روزولت» یکی از مهم ترین اعضای سازمان امنیت آمریکا (C.I.A) از آغاز تأسیس آن را رهبری کرده و پس از آن که شاه مجدداً به دنبال این کودتا به حکومت دست یافت نگرانی صهیونیست ها در ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی افزایش یافت و گفته شده که سازمان امنیت اسرائیل (موساد) به همراه همتای آمریکایی خویش در بر پا

آیا این موجب تعجب نیست که مردی به جریان فلسطین اهتمام ورزد و در تلاش خویش آن را نقطه محوری قرار دهد که ممالک چندی و بیابان ها و مسافت های بسیاری میان او و فلسطین فاصله انداخته است؟ یا قضیه این است که فلسطین صرفاً یک نقطه جغرافیایی نیست بلکه آیه ای از قلب قرآن است. در قلب تاریخ اسلامی و تمدن اسلامی، فلسطین یک رمز و نشانه است. نشانی از یک مسافت است و برای یک مسلمان امکان ندارد که درباره آینده خویش اندیشه کند بدون این که درباره فلسطین فکر کند و بدون این که موضع خویش را نسبت به آن مشخص نماید. لذا برای مردی چون امام این معنا وجود نداشت که حامل اسلام باشد، کسی در این قرن بار اسلام را بر دوش نکشید مگر این که نسبت به فلسطین کار داشت.

**«بن گورین» و ناکامی تئوری روابط همه جانبه**

بن گورین، اولین نخست وزیر حکومت یهود و یکی از مهم ترین بنیانگذاران آن حکومت، نظریه معروف «اطراف» را مطرح می کند، نظریه ای که می گوید اسرائیل باید روابط را با دولت هایی که جهان عرب را احاطه کرده اند به ویژه ایران و ترکیه تقویت کند، چرا که روابط مستحکم با این دولت ها و سایر دولت ها می تواند به اسرائیل در باز کردن حصاری که جهان عرب دور او ایجاد کرده اند، کمک کرده و موقعیت امنیتی و سیاسی و اقتصادی آن را نیز تقویت کند. در چنین وقتی است که امام خمینی (ره) مبارزه و جهاد خویش علیه نظام طاغوتی شاه در ایران را آغاز می کند. مبارزه ای که مقابله با اسرائیل از مهم ترین محورهای آن بود. نگرانی و ترس بن گورین چقدر شدید خواهد بود وقتی می بیند نزدیک ترین حکومت عربی به اسرائیل که بزرگ ترین خطر را علیه اسرائیل شکل می داد، یعنی مصر نخستین دولتی است که اسرائیل را به رسمیت می شناسد و ستاره «داود» امروز در آسمان قاهره عزیز، به فاصله چند متر از نیل بزرگ، افراشته می شود. در حالی که ایران امروز که

شروع شهید شقایی



**با شروع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره)، ایشان فراموش نکردند که آنچه در فلسطین و لبنان می گذرد را دنبال کنند و پیام های پشتیبانی از مردم لبنان و فلسطین را صادر نموده و به همراهی و کمک به لبنان و نیز نجات فلسطین دعوت نمایند.**



## سیرت‌شناسی شقایی



### امام می فرماید: «... گرفتاری و بدبختی فلسطینی است که در رأس گرفتاری و امام این را می فرماید تا میان آنچه در فلسطین اشغالی می گذرد و آنچه در ایران شاه می گذرد مقایسه کند تا فلسطین اشغالی در نگاه او به عنوان رأس گرفتاری ها و بدبختی ها باقی بماند و بدبختی فلسطینی است که در رأس گرفتاری و امام این را می فرماید تا میان آنچه در فلسطین اشغالی در نگاه او به عنوان رأس گرفتاری ها و بدبختی ها باقی بماند.»

صهیونیست ها نجات داد و از تبدیل آن به فلسطینی دیگر جلوگیری کرد. این شیوه امام خمینی (ره)، شاه را نابود کرد و از علل مهم پیروزی بعدی انقلاب بود.

موقعی که شاه فهمید امام چه چیزی را هدف گرفته و اهمیت آن را درک کرد شروع به ارسال پیام های تهدید آمیز نسبت به او و شاگردانش نمود. با این خواسته که بین او و اسرائیل ارتباطی نیست و هشدار داد که از حمله به اسرائیل بپرهیزند لکن این مردی که از دشمنان هر چقدر هم باشند نمی ترسد، این انسانی که با قاطعیت و عدم عقب نشینی و نیز طرد گفتگو و راه حل های میانه شناخته شده، مردی که از حکمت و تجربه انقلابیون بزرگ برخوردار است، همین تهدیدات شاه را فرصتی برای افزایش حمله به او و رسوا نمودنش قرار داد. با این استدلال که شاه چرا بر این مطلب اصرار می ورزد؟ آیا او یهودی است؟ یا او اسرائیلی است؟

امام در یک سخنرانی در سال ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه قم می فرماید: «امروز به من اطلاع دادند که برخی از گویندگان را بازداشت کرده و به مراکز امنیتی برده و به آنان گفته اند: سه موضوع است که شما کاری نداشته باشید و آنچه خواستید صحبت کنید. کاری به شاه نداشته باشید و درباره او حرفی نزنید، کاری به اسرائیل نداشته باشید و نیز نگویید که اسلام در خطر است. ما اگر این مسأله را هم کناری بگذاریم پس با مردم درباره چه چیزی صحبت کنیم. همه گرفتاری های ما مربوط به همین سه امر است» بعد می فرماید: «مزدوران اسرائیل دست به اعمال ویرانگری در ایران می زنند و خداوند بهتر می داند که مخفیانه چه نقشه های دیگری می کشند و ما موقعی که به این قضیه می پردازیم می گویند از شاه و اسرائیل صحبت نکنید. چه ارتباطی بین شاه و اسرائیل است؟ آیا شاه اسرائیلی است؟ شاید او فردی یهودی است در حالی که او ادعای اسلام را دارد و به حسب ظاهر می فرماید من مسلمانم، شاید سری در این قضیه باشد.»

بسیاری هستند که خطر صهیونیسم و نقش آن در منطقه را روشن کرده اند، بسیاری از رهبران و سران مسلمانان و جنبش های اسلامی خیلی درباره این پدیده توضیح داده اند لکن چند نفر از اینها هستند که بین این پدیده و خطر و بین حکامشان ارتباط داده اند؟ چند نفر از اینها هستند که رو در روی حکام خود این سخن حق را بر زبان آورده و این تلاش امام خمینی (ره) را که گنج کننده دشمن بود انجام دادند؟ امام در ارتباط با به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه و هم پیمانی با آن خطاب به شاه می فرماید: «شما و دولت ترکیه (که تازه اسرائیل را به رسمیت شناخته

است و طرح صهیونیستی کجاست؟

امام می فرماید: «... گرفتاری و بدبختی فلسطینی است که در رأس گرفتاری هاست» و امام این را می فرماید تا میان آنچه در فلسطین اشغالی می گذرد و آنچه در ایران شاه می گذرد مقایسه کند تا فلسطین اشغالی در نگاه او به عنوان رأس گرفتاری ها و بدبختی ها باقی بماند و بدبختی فلسطینی است که در رأس گرفتاری و امام این را می فرماید تا میان آنچه در فلسطین اشغالی در نگاه او به عنوان رأس گرفتاری ها و بدبختی ها باقی بماند.»

طرح صهیونیستی استعمار می باید؟ امام که فهم دقیقش را نسبت به واقعیت طرح استعماری کاملاً نشان می دهد پاسخ می دهد «... اختلاف کلمه و نوکری برخی از سران کشورهای اسلامی است که به ۷۰۰ میلیون مسلمان با همه معادن و ثروت ها و نیروها و امکاناتی که دارند امکان قطع دست استعمار و صهیونیسم و جلوگیری از نفوذ بیگانه را نمی دهد و این هواهای نفسانی و خواسته های شخصی و کرنش برخی دولت های عربی نسبت به نفوذ مستقیم بیگانه، اینها همه است که ۱۰۰ میلیون عرب را از آزادی فلسطین از دست اسرائیل باز داشته است.» سپس نسبت به هدف نهایی طرح استعماری خطاب به مسلمانان هشدار می دهد: «آنان باید بدانند که دولت های بزرگ استعماری با ایجاد اسرائیل تنها قصد اشغال فلسطین را نداشته اند، بلکه آنان برای انداختن همه دولت های عربی و اسلامی - العیاذ بالله به همان سر نوشت فلسطین نقشه می کشند.»

اسرائیل ریشه سردمداران تفرقه در جهان

از آن زمان که امام مبارزه و جهادش را در آغاز دهه شصت شروع کرد فلسطین در فهرست اولویت های مبارزه او بود. چون رابطه ای را که میان نظام ملی گرا و تفرقه افکن و بین اسرائیل و نیز بین شاه و اسرائیل وجود داشت درک می کرد. این درک و اصرار بر ارتباط میان شاه و اسرائیل بود که ایران را از چنگال های

ارتباطات بی سیم را نابود کردند، فراری داد. در انشای هجوم به سفارتخانه نیز دوازده نفر مسلمان ایرانی در اثر شدت جریان برق به شهادت رسیدند. سفیر اسرائیل در ایران «اودی لوبرانی» بود. محمد حسینی هیکل، در کتاب خویش به نام «قضیه ایران و انقلاب» چاپ سوم، ص ۱۴۳، نقل می کند که شاه در یک گفتگو در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) به او اطلاع داد که «همکاری ما با اسرائیل منحصر به اطلاعات و امنیت نیست بلکه خیلی از این گسترده تر است. من گروه هایی از همه نیروهای ارتش و نیز بخش های دولتی جهت آموزش به اسرائیل فرستاده ام.»

معروف است که شاه از آغاز دهه شصت مجدداً اسرائیل را به رسمیت شناخت و تلاش های آیت اله کاشانی بود که در زمان دولت مصدق باعث شد شاه نسبت به این شناسایی عقب نشینی کند. این به رسمیت شناختن عکس العمل شدیدی را در محافل عربی و اسلامی داشت. چنان که شیخ محمود شلتوت - رییس وقت الازهر - از شاه درخواست کرد که روابطش با اسرائیل را قطع کند. همچنین مرجع بزرگ آیت اله بروجردی این شناسایی را محکوم نمود و هشدار داد که در صورت ادامه آن، ایران را ترک خواهد کرد.

قابل توجه است که ایران اسلامی در کمتر از بیست سال از این حادثه، خودش اقدام به قطع رابطه با مصر نمود لکن این بار این اقدام به خاطر شناسایی اسرائیل توسط مصر بود.

امام و درک واقعیت طرح استعماری صلح

در آن وقت - آغاز دهه شصت - که ارتباط شاه با اسرائیل زیاد شده بود امام خمینی (ره) مبارزه اش علیه طرح امپریالیستی - صهیونیستی را عمیقاً شروع کرد. امام که نشانه های مرجعیت گسترده او در ایران، آشکار شده بوده به روشنی واقعیت مشکل اساسی که مسلمانان در ایران و در کل سرزمین اسلامی به آن گرفتار بودند را درک می کرد که عبارت از طرحی استعماری بود که وحدت امت را از هم دریده و حکومت تفرقه و تجزیه را برپا داشته بود و اسرائیل را به عنوان یکی از مهم ترین هدف های طرح استعماری سرپا نموده بود.

امام در پاسخخی که در سال ۱۳۵۲ به دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا و کانادا ارسال داشته است می فرماید:

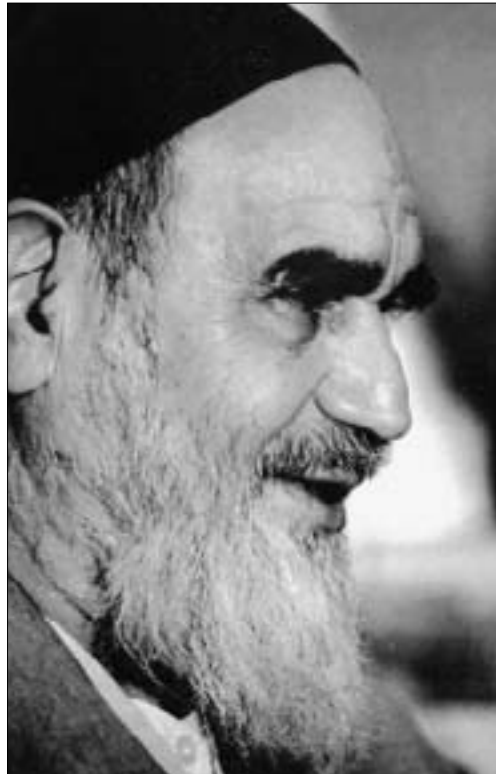
«... اسرائیل زاینده طبیعی تعاون فکری میان دول استعماری شرقی و غرب بود، چرا که آنان با ایجاد اسرائیل، دست به استعمار و نابودی و استعمار و تقسیم جهان اسلام زدند و امروز به روشنی می بینیم که همه طرف های استعماری به آن کمک می کنند...»

و در سال ۱۳۵۱ ضمن سخنانی درباره کمک و مساعدت به جریان فلسطینی می فرماید:

«در این روزگار چنگال های استعمار در اعماق حکومت های اسلامی فرو رفته و استعمارگران هر وسیله ممکن و آنچه در توان داشته اند را در جهت ایجاد تفرقه میان مسلمانان به خدمت گرفته اند و به هر وسیله ای برای ترساندن آنان از تمسک و عمل به اسلام و تعالیم قرآنی، متوسل شده اند تا استعمارگران با اطمینان کامل به اهداف غیر انسانی شان در به غل و تخریب کشیدن طبقه ضعیف و محروم برسند و در این عصر، شعاهایی پرزرق و برق، مسلمانان را از تعالیم قرآن و فرهنگ آن دور سازند و راه برای مصالح خاص خودشان باز کنند.»

امام پس از این تشخیص دقیق نسبت به طبیعت و واقعیت طرح استعماری و ابزار و وسایل آن، به ایران به عنوان نمونه استشهد می کنند:

«نمونه آن همین ایران و مصیبت های ویرانگر است که در آن جریان دارد» لکن فلسطین در چه جایگاهی



این گونه است که با دیدی وسیع به مشکل می نگرد و خود را از مسائل جزئی و کم ارزش دور می کند. همان گونه که امام نمی پذیرد که فقط مرجع رسیدگی به مسایل حیض و نفاس باشد کاملاً این را نیز رد می کند که به گونه ای جزئی به قضیه فلسطین نگاه کند. راه حل جزئی را رد می کند و قرص مسکن نمی پذیرد. این کار همانند حرکت انفجار آمیز و گسترده ای که اسرائیل، این غده سرطانی را برای ابد از ریشه می کند نیست. او در اعلامیه ای که در سال ۱۳۴۲ صادر کرد نسبت به طرح تحویل رود اردن که حکام عرب در کنفرانس سران، آن را به بحث گذاشته بودند می گوید: «... من از مسلمانان می پرسم چرا شما با اسرائیل سر نهر اردن منازعه می کنید؟ همه فلسطین غصب شده برای اسرائیل است برای یهودیان از فلسطین تلاش کنید. ای کسانی که خودتان را سرگرم کرده اید! چگونه فلسطین را به حالت اشغال رها می کنید و سراغ دعوا دربار آبیهای رود، می روید؟ شما وقتی با اسرائیل نسبت به آن اختلاف و بحث می کنید شما وجود اسرائیل را به عنوان حاکم بر اسرائیل بلکه به عنوان دولتی که در فلسطین حق دارد پذیرفته اید...!!» موقعی که از امام درباره تعمیر مسجد الاقصی، پس از حریق که به منبر و بخش جنوبی مسجد رسید، سؤال شد، فرمود: «مادامی که اسرائیل فلسطین را در اشغال خود دارد تعمیر مسجد الاقصی واجب نیست تا جنایات و جرایم اسرائیل برای مسلمانان زنده و آشکار بماند و آنان را به حرکت و تلاش برای پس گیری اراضی و مقدسات اسلامی وادارد... ایشان در کتاب حکومت اسلامی، ص ۱۱۱، می فرمایند: «... مسجد الاقصی را آتش زدند، ما فریاد می زیم که آثار جنایت را باقی بگذارید، بگذارید باقی بماند، در حالی که نظام شاه حسانی را بانک ها برای تعمیر و ترمیم مسجد الاقصی باز می کند و از این راه جیب ها و خزانه اش را پر می کند و پس انداز هایش را افزایش می دهد بعد از ترمیم مسجد، همه آثار جنایت صهیونیسم را نیز پوشانده است.»

و این چنین امام در تبعیدگاه - همانند وقتی که در ایران بود - به دفاع از اسلام و فلسطین و مبارزه با شاه و اسرائیل ادامه می دهد. ایشان همواره در هر جریانی که مربوط به مسأله فلسطین و مبارزه علیه اسرائیل می شد حضور داشتند. در سال ۱۳۴۷ در پاسخ به سؤال جمعی از فدائیان فلسطینی که پرسیده بودند: «در صورت وجوب مقاومت، آیا جایز است از مورد حقوق شرعی از قبیل زکات و غیره در مورد مسلح نمودن مسلمانان تربیت آنان استفاده کرد یا خیر؟ حضرت امام در تاریخ ۳ ربیع الثانی ۱۳۸۸ (۱۳۴۷/۶/۶ شمس) فتوای به جواز مصرف زکات و سایر صدقات را به شرح زیر صادر می کنند. «بسم الله الرحمن الرحیم. قبلا هم تذکر داده ام که دولت غاصب اسرائیل با هدف هایی که دارد برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود و چون احتمال خطر متوجه اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی بخصوص و سایر مسلمین عموماً که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به مدافعین کوتاهی نکنند و جایز است از محل زکات و سایر صدقات در این امر مهم و حیاتی صرف نمایند...»

این فتوای امام یک بار دیگر در سال ۱۳۵۲ اینگونه تکرار می شود: «بهرتر بلکه واجب است، بخشی از حقوق شرعی از باب زکات و سهم امام به مقدار کافی اختصاص به مجاهدین در راه خدا داده شود، مجاهدین که در خطوط شرف و عظمت برای از بین بردن صهیونیسم کافر و غیر انسانی و برگرداندن عظمت زخم خورده اسلامی و پایداری و تقویت تاریخ نورانی اسلامی می چنگند و بر هر مسلمانی که به خدا و قیامت ایمان دارد واجب است که همه تلاش خود را در این راه به کار گیرد...» هنگامی که جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) در گرفت، امام خمینی (ره) در چندین اعلامیه دولت هایی را که با اسرائیل

بازداشت امام توسط شاه و اقدام به کشتار مردم در ۱۵ خرداد، جهان اسلام را فرا گرفت. شیخ شلتوت رییس الزهر، پیامی را فرستاد و در آن مسلمانان جهان را به همبستگی با مسلمانان و مجاهدان ایران دعوت کرد.

در این پیام که در تاریخ ۲۰/۲/۱۳۴۲ صادر شد از جمله آمده بود: «در این زمان، فریادهای بلند می شود و در روز روشن تعدیات تکراری می گردد، قربانیان آن، علمای اسلام در ایرانند، آنان که بشارت دعوت الهی می دهند و نسبت به دین خدا احساس مسئولیت می کنند، اینها جریمی جز این که سخن حق را آشکار می کنند ندارند... علمای اسلام در ایران مکرراً مورد تعدی قرار گرفته اند و گرفتار سختی های زندان شده اند و میان آنان و میان امر به معروف و نهی از منکر که اسلام از هر کس که توان آن را داشته باشد می خواهد، مانع شده اند... در خود تاریخ ایران، بهترین گواه بر ارزش جهاد و فداکاری در راه خدا و وطن توسط علما وجود دارد. ارزشی برگزیده و جهادی همراه با سیاستگزاری دیگران و فداکاری هایی که فراموش نمی شود و قابل انکار نیست، مسلمانان در همه نقاط و نیز مردم مسلمان ایران باید به این تعدی و تجاوز آشکار توجه نموده و باید برای نجات علما ایران از دست حکام سرکش ایران تلاش کنند.» سپس رییس الزهر پیام خودش را خطاب به مسلمانان این گونه به پایان می برد: «خدا یا شاهد باش که به حاملان رسالت تو تجاوز شده است. رفع آزار و اذیت از اولیا تو وظیفه ای برگردن مؤمنان به تو است و تویی بهترین مولا و بهترین یاور» بدینال این فشار بود که امام خمینی (ره) آزاد شد تا در یک سخنرانی تاریخی که آن را چند روز پس از آزادی اش ایراد کرد، اعلان کند: «اسلام، استقلال ایران، پاکسازی ایران از آلودگی اسرائیل و اتحاد با کشورهای اسلامی، از اهداف ما می باشد»

**بازگشت امام به حرکت و فعالیت مجدد**  
امام در اعلامیه ای که به همراه چند نفر از علما در بزرگداشت سالگرد کشتار ۱۵ خرداد صادر کردند، فرمودند: «برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است، در سراسر جهان و در مقابل صهیونیسم در مقابل اسرائیل، در مقابل دول استعمارطلب، مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به رایگان می برند... تبعید امام به ترکیه (۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۴ه) چند روز بعد از سخنرانی تاریخی ایشان

#### شهر شهید ششانی



**امام در اعلامیه ای که به همراه چند نفر از علما در بزرگداشت سالگرد کشتار ۱۵ خرداد صادر کردند، فرمودند:**  
«برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است، در سراسر جهان و در مقابل صهیونیسم در مقابل اسرائیل...»

بود که در آن اعلام کردند: «جهان بدانند که همه مشکلات ما از آمریکا سرچشمه می گیرد. همه مشکلات ما از اسرائیل ناشی می شود، اسرائیل بخشی از آمریکا است و این نمایندگان نیز از آمریکا هستند و آن وزرا نیز همه شان مزدور و دست پرورده آمریکا می باشند.»

بله، مشکل همین است مثلث طرح استعماری «استعمار - اسرائیل - مزدوران استعمار در سرزمین های اسلامی» و امام به

بود (در یک صف در کنار اسرائیل ایستادید، ما می گوییم: این به مصلحت شما نیست، عواطف مردم را تا این حد نادیده نگیرید، ضرر آن به شدیدترین وضع به خودتان بر می گردد. همه مسلمانان در یک طرفند و دولت ایران در طرف دیگر، حمایت از اسرائیل باعث بدنامی مردم ایران می شود برادران اهل سنت ما خیال می کنند که شیعیان برده یهودی ها هستند. ای مردم جهان بدانید که مردم ما با هم پیمانی با اسرائیل مبارزه می کنند و هم پیمانان اسرائیل از ما نیستند و از مردم ما نمی باشند و از علمای ما نیستند. دین ما، ما را ملزم به مبارزه و مخالفت با دشمنان اسلام می کند و قرآن ما حکم می کند که در مقابل صفوف مسلمانان به کفر اعتماد نکنیم. این منطق ما است، آیا این ارتجاع است؟!»

بعد امام در همین سخنرانی که در سال ۱۳۴۲ در مسجد اعظم قم ایراد کردند بین ایرانیانی که شاه نمادی آن است و بین شناسایی اسرائیل ارتباط می دهند. بین ملی گرایی فاسد دشمنان اسلام و بین این به رسمیت شناختن. با این تأکید که ارتجاع همین است، معظم له می فرماید: «بیباید محاسبه کنیم تا بفهمیم کدام یک از این دو سزاوارتر به عنوان ارتجاع است. تو که ادعا می کنی که دولت شما تمدن ترین دولت شده و جشن دو هزار و پانصدمین سال تأسیس آن را می گیری و دانما به استخوان های پوسیده ای افتخار و مباحثات می کنی و می خواهی آنها را برخلاف اسلام زنده کنی و تو که به امپراتوری خودت و سابقه آن افتخار می کنی، الان در اواخر عمرت عقب گرد می کنی و با اسرائیل معاوضه می بندی و ضد احکام اسلام و ضد مسلمانان یا او همکاری می کنی، گفته ای شماها مرتجع هستید اف بر این منطق و اف بر شما و خدا رویتان را سیاه کند. آیا این، دولت پیشرفته به حساب می آید که در هر چیز نیازمند بیگانگان است؟ در آوردن متخصص از اسرائیل و در فرستادن گروه های دانشجویی به اسرائیل برای آموزش؟» به دنبال قاطعیت امام، شاه تسلط بر اعصاب خود را از دست داد و مأمورینش را به مدرسه قضیه در قم گسیل داشت و آنان به سوی علما و جمعیت هایی که در مجلس سوگواری امام صادق (ع) شرکت کرده بودند آتش گشودند، ولی این کار، امام را از ادامه جهادش باز نداشت لذا اعلامیه ای را در محکومیت این کشتار صادر کردند. در این اعلامیه آمده بود: «حکام خائن ایران گمان می کنند که با این اعمال غیر انسانی و دست زدن به روش های فشار می توانند ما را از حرکت به سوی اهدافمان بازدارند، اهدافی که عبارت از نابودی ستم و دیکتاتوری و اعمال غیر قانونی و حفظ دین اسلام و محافظت از حقوق مسلمانان و برپا داشتن عدالت اجتماعی...»

چنان که بعد از یک اعلامیه دیگر از علمای اسلام و استاید و طلاب و سایر گروه های روشنفکر خواستند که همه نیروهای خودشان را برای مبارزه علیه مزدوران استعمار و صهیونیسم در همه مناطق ایران و اعتراض به روابط شاه با اسرائیل بسیج کنند. امام در همین اعلامیه مردم را دعوت به پشتیبانی و کمک به مردم فلسطین نمودند. واقعاً این روحیه انقلابی که امام خمینی (ره) را به حرکت آورد در رشد سریع آگاهی ملت ایران در برابر خطر صهیونیسم، نقش مؤثری ایفا کرد. پلاکاردها و تظاهرات جمعیت های خشمگین ایرانی، شعارهایی ضد صهیونیستی را در برداشت، شعارهایی که شاه را که از نظر مردم، مزدور اسرائیل و آمریکا شده بود محکوم می نمود. شاه در مقابل این تحولات راهی جز بازداشت امام نیافت، اما به مجردی که مردم خبر دستگیری امام را شنیدند همانند توده های انسانی خروشان بیرون آمدند و شعار سردادند که: «یا مرگ یا خمینی»، «خون و جانمان فدایت ای خمینی»، «شاه باید سرنگون شود» لکن شاه که غرور و نخوت، او را کور کرده بود به ارتش دستور داد جلوی مردم بایستد. به این ترتیب بود که فاجعه ۱۵ خرداد که در آن ۱۵ هزار نفر از مسلمانان ایران به شهادت رسیدند، پیش آمد. موج خشم بود که در اعتراض به





گفته بود «همین الان میا ما در انتظار تو هستیم» در تفاوتی که میان پاسخ قطب زاده و پاسخ شهید منتظری وجود دارد فرق میان روش لیبرالی و ملی گرای و روش اسلامی و انقلابی آشکار می شود و با این همه چندان طول نمی کشد که رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین در کنار این لیبرال های ملی گرا و علیه روش اسلام انقلابی و بر ضد خط امام ایستادند. و در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) هانی الحسن در پاریس با مسعود رجوی سر کرده منافقین ملاقات می کند و این هانی الحسن همان اولین سفیر سازمان آزادی بخش در تهران است و او است که در ابتدای ورود به ایران در بزرگترین کاخ افراد شاه - کاخ امیرعباس هویدا - جای داده شد و اوست که در جمع مردم ایران سخنرانی کرد: «قرآن قانون ما است و حسین الگوی والا و برتر برای جوان فلسطینی است و خمینی (ره) رهبر و قائد ما می باشد.» رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین می گفت: «ما در انقلاب نیستیم. ما یک انقلابیم و یک رهبر که امام خمینی (ره) است.» و برخی از همراهانش نقل می کنند که او یک بار به عکس امام خمینی (ره) اشاره کرد و گفت: «ظاهر سرنوشت چنین است که آزادی قدس بادست های غیر عرب صورت پذیرد.» و با این حرف به صلاح الدین ابویی و به امام خمینی (ره) اشاره داشت لکن مشکلی که بعداً همه فهمیدند این بود که رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین از در

حقی موقعی که گروهان های سپاه پوست آزاد شدند، سازمان به دروغ ادعا کرد که این کار با میانجیگری او انجام شده است این در همان زمانی بود که رئیس سازمان در آغاز هجوم عراق به ایران پیش از این که تغییر کند و کاملاً با موضع صدام حسین هماهنگی نماید، موضعی بی طرف را اتخاذ کرده بود و علی رغم تعدد اشتباهات از ناحیه رهبری سازمان از خروج گروهان ها، تا هم پیمانی با مخالفین، تا موضع منفی نسبت به جنگ، تا ملاقات هانی الحسن با رجوی آن چیزی که کمر روابط را شکست طرفداری و ترویج طرح شاه فهد که بعداً به طرح فاس معروف شد توسط رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین بود.

امام خمینی (ره) این طرح را که شناسایی اسرائیل را بی ریزی می کرد خیانت به اسلام و قرآن شمرده و به آنانی که معتقد به وجود نقاط مثبتی در طرح بودند حمله کرده و فرمودند: «اگر اسرائیل و تضمین امنیت آن نباشد و همه نقاط دیگر هم مثبت باشد، همین دارای بزرگترین خطر است، بعد فرمود: «من از ملت ها می خواهم که در مقابل این طرح بایستند و علیه آن انقلاب کنند و بر آنان است که برای شکست آن جانفشانی نمایند.» و بعد از آن در تاریخ ۱۶/۸/۱۹۸۲ (۲۵/۵/۱۳۶۱) سخن خودش را مستقیماً متوجه رهبران سازمان آزادی بخش نموده و فرمودند: «من رهبران فلسطینی را نصیحت می کنم که از ملاقات ها و سفرهای اینچا و آنجا خودداری کنند و مردم خودشان را با اتکال بر خداوند بسپارند و سلاح های خودشان را برای جنگ با اسرائیل تا سرحد مرگ نشانده گیری نمایند. این دیدارها منجر به این می شود که مردمان مبارز امیدشان به شما را از دست بدهند.»

و این چنین امام خمینی (ره)، موضعی را که در آغاز سال های دهه شصت اعلام کرده بود استمرار بخشید در حالی که رهبران سازمان قدم به قدم عقب نشینی نمودند. ■

سیاست وارد تهران شدند و نه از در اسلام و لذا آسیبی که به این رابطه وارد آمد برای بسیاری، امری ناگهانی و غیر متوقع نبود. ایرانی ها خیلی برای اسلامی کردن انقلاب فلسطین با اسلامی کردن سازمان آزادی بخش فلسطین کوشش کردند ولی آیا عطار می تواند چیزی را که روزگار آن را به فساد کشانده اصلاح کند؟

در جلسه ای که دو ساعت و نیم در منزل آقای منتظری با حضور

شهرت منظر شقایی



**معروف است که شاه از آغاز دهه شصت مجدداً اسرائیل را به رسمیت شناخت و تلاش های آیت الله کاشانی بود که در زمان دولت مصدق باعث شد شاه نسبت به این شناسایی عقب نشینی کند.**

آقای هاشمی رفسنجانی و رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین (یاسر عرفات) طول کشید، فرد اخیر در مقابل فشار فقهای حاضر که اصرار بر اسلامی کردن کار فلسطین داشتند حیلہ گری و زبان بازی می کرد و همه توجهات برخلافی را که داشت مطرح می ساخت.

رهبران سازمان آزادی بخش فلسطینی می خواستند که ایران برگی سیاسی در دست آنها باشد که از طریق آن اهدافی سیاسی را جامعه عمل ببوشانند و لذا مثلاً خیلی حریص بودند که در مسأله گروهان های سفارت آمریکا در تهران میانجیگری نمایند،

می جنگیدند دعوت کردند که در این جنگ مقدس، جدی و با اراده ای قوی باشند و پایداری و مقاومت کنند و از دستور الهی غفلت ننمایند.

همچنان که مردم ایران را فراخواندند که «برادرانشان را از هر راهی که امکان دارد برای آزادی فلسطین و پیروزی بر صهیونیسم مساعدت نمایند. اولین اعلامیه ای که امام در فاصله چند روز پس از آغاز درگیری صادر کرد آن را با این آیه قرآنی آغاز شد: (وقالتوهم حیث ثقفتوهمم و آخرجوهم من حیث آخرجوکم و الفتنه اشدمن القتل و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه... ) آنان را هر جا یافتید بکشید و از همان جاها که شما را بیرون کردند بیرون کنید و همواره فتنه شدیدتر از قتل است و با آنان بجنگید تا فتنه نباشد.»

با شروع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) در آغاز سال ۱۹۷۸ (اواخر ۱۳۵۶ شمسی) امام فراموش نکرد که آنچه در فلسطین و لبنان می گذرد را دنبال کند و پیام های پشتیبانی از مردم لبنان و فلسطین را صادر نموده و به همراهی و کمک به لبنان و نیز نجات فلسطین دعوت نماید چنان که در هر فرصتی و در غالب سخنانش با رسانه های جمعی، تأکید می کرد که: از علل انقلاب مردم ایران علیه شاه همان حمایت نامحدود او از اسرائیل و تأمین نیازهای نفتی آن می باشد و به خاطر این که او ایران را بازاری برای اجناس اسرائیلی قرار داد افزون بر پشتیبانی معنوی که شده نسبت به اسرائیل داشت با اینکه تظاهر به محکومیت اسرائیل می نمود تا دنیا را گول بزند (خبرگزاری خاورمیانه ۱۳۵۶) و موقعی که گزارشگر ایستگاه تلویزیونی بی.بی.سی (۱۹۷۸/۱۲/۱۰)، (۱۳۵۶/۹/۱۰) پرسید: اگر شاه سقوط کند و شما حکومت را به جای او به دست گیرید تغییری که در خصوص رابطه با اسرائیل ایجاد خواهید کرد چیست؟ پاسخ داد: «اسرائیل را طرد خواهیم کرد و هرگز هیچ رابطه ای با او نخواهیم داشت. اسرائیل دولتی غاصب است و ما دشمن آنیم.»

سؤال شد: آیا این یعنی این که اسرائیل نمی تواند از نفت ایران استفاده کند؟

جواب فرمودند: «مطلقاً نخواهد توانست استفاده کند.» سؤال شد: هرگز نفت به اسرائیل صادر نخواهد شد؟ جواب دادند: بله

و با شعله ور شدن انقلاب اسلامی و پیروزی آن در فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ماه ۱۳۵۷) روح حماسه اسلامی در همه مراکز و پایتخت های اسلامی به نقطه اوج خود رسیده بود و در روز پیروزی، مسلمانان در هر جایی به خاطر این پیروزی آشکار به یکدیگر تبریک می گفتند و حالی از خوشحالی کم نظیر به آنان آرامش داده بود، اما در فلسطین اشغالی، خوشحالی و شادمانی آن نمونه نداشت، امت فلسطین دوباره زنده می شوند. آنانی که در آن سال ها زیر سلطه اسرائیل زیسته بودند و انواع شکنجه و ناامیدی و شکست را در صحرای خشک اعراب محتمل شده بودند پس از سال ها برای اولین بار احساس کردند که فلسطین آزاد شدنی است بلکه نزدیک است و فقط این مسأله نیازمند وقت است. انقلاب اسلامی، مردمان مسلمان را بیدار کرد و در فلسطین حرکت و حیاتی دمید و نهضتی دوباره به وجود آورد.

در تهران، رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین بلافاصله روزهای پس از پیروزی مورد استقبال قرار گرفتند به گونه ای که در هیچ جای عالم استقبال نشده بودند. امام خمینی (ره)، از رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین (یاسر عرفات) در فضایی آکنده از جشن و سرو استقبال نمود و این در حالی بود که فقط یک هفته از پیروزی انقلاب می گذشت. قبلاً رئیس سازمان آزادی بخش با صادق قطب زاده تماس گرفته و درخواست کرده بود که به تهران بیاید ولی قطب زاده عذر آورده بود که الان موقعیت، مناسب نیست و موقعی که رئیس سازمان با مرحوم شیخ محمد منتظری تماس گرفته بود، مرحوم منتظری به او



است، یکی از درجات یأس است که معادل کفر است، حال اگر این شک به درجه بازماندن، عقب‌نشینی و چشم‌پوشی برسد، چه توصیفی می‌توان بر آن داشت؟ چگونه می‌توانیم یقینمان به فلسطینمان و قدسمان را به توافقتنامه‌ای سری و سیاه در اسلو مبدل سازیم؟ توافقتنامه‌ای که مبارزه را از بین می‌برد و اشغالگری را مستحکم‌تر می‌کند، به کسانی که خداوند مذلت و نداری را برایشان خواسته، مشروعیت بخشیده و به آنان حاکمیت بر سرزمین مبارک و مقدس را از زانی می‌دارد.

این کار یعنی شنا کردن بر خلاف جریان الهی، بر خلاف قرآن، بر خلاف اسلام، بر خلاف امت، تاریخ و حقیقت و پارو زدن بر خلاف جهت حرکت مردم مجاهد و مظلوم فلسطین.

در روز قدس، زیاد به محکومیت و تحمیل مسئولیت کشتار حرم ابراهیمی نخواهم پرداخت، نه به شیطان بزرگ اشاره‌ای خواهم نمود و نه به شیطان کوچک، زیرا انتظاری از این بهتر از آنها نمی‌رود. ولی مسئولیت این اقدامات را متوجه حکام عرب و مسلمانی می‌دانم که فلسطین برایشان تنها نمادی است که با آن ملتشان را فریب می‌دهند، مسئولیت این جنایت متوجه عرفات و گروه در مانده و شکست خورده‌ها است که خود را حدود یک ربع قرن به بهانه انقلاب و آزادی بر گردن مردم فلسطین تحمیل نمودند. در حالی که امروزه ما را به دست صهیونیست‌ها می‌سپارند تا مانند گوسفند سر ببرند.

مسئولیت این اقدامات متوجه احزاب و جنبش‌هایی است که همانند شیطان لال در مقابل این اقدامات ساکت مانده‌اند در حالی که کتاب‌ها و بولتن‌ها ایشان مملو از کلمات انشائی و انقلابی است، فاجعه در اینجاست که آنها خود را بزرگ‌تر از مصیبت وارده می‌دانند، خود را بالاتر از مردم می‌دانند آنها خود را بالاتر از مسأله فلسطین می‌دانند.

در روز قدس، تنها خونخواهی و انتقام شهدای سجدۀ خونین بامداد جمعه رضانی در حرم ابراهیمی است که ما را تسکین می‌دهد.

مسلمان نیست، عرب نیست و فلسطینی نیست هر کسی که به انتقال فکر نکند و یا آن که با بی توجهی از کنار این خون‌ها بگذرد تا دست در دست قاتلان بگذارد.

بباید در روز قدس آتش شوق، انقلاب و مقاومت را همه جا برافروزیم، زیرا فلسطین تنها هنگامی آزاد می‌شود که تمام سرزمین فلسطین به صحنه کارزار علیه طاغوت‌های بین‌المللی در تمام ابعادشان مبدل گردد. ■

### شهریه فتحی شقایی



**پس از یک ماه گرسنگی و روزه‌داری و تزکیه نفس، هنگامی که مسلمان در اوج عبادت خود است، باید قدس را به یاد آورد، باید دیدگاه و مسیر حرکت خود را در این زمان مقدس که ما از طغیانگری مادیت و قید و بند جسم و فشارهای وقایع آزاد می‌شویم به طرف آن تنظیم کند، باید به سوی این مکان مقدس روی آوریم؛ این است جوهرهٔ پیام، پیام خمینی(ره).**

مانشان داده و معیارها را در امکان پیروزی روح بر ماده می‌داد. آیا در تاریخ معاصر کسی توانسته است همانند خمینی(ره) کبیر (ره) که تمام یا گوشه‌هایی از جهان را با سکوتش و ثروت دنیا با زهدش و دروغ‌گویی‌های سیاست‌مداران و سیاست‌ها را با صدق و راستگویی منحصر به فردش شکست دهد و چنین چیزی را در زمان ما تجسم بخشد؟

آیا این خود نشانگر زیربنای اصلی قیام و پیروزی او در عصر ارتباطات گسترده، کارتل‌های مخوف و طاغوت‌هایی که تمام ارزش‌ها را زیر پا گذارده و چیزی به نام رحمت را نمی‌شناسند، نیست؟

زمین کم وسعت است اما دیدگاه‌ها بسیار وسیع، زمینی که خداوند آن را در کتابش مبارک داشته و بارها و بارها و بارها آن را مقدس شمرده را هیچ‌گاه به کسانی نمی‌دهد که بعد از مجدشان به آنها گفت «کونوا قرده خاسئین» کسانی که خداوند سرنوشت آنها را ذلت و نداری رقم زده است «کتب علیهم الذلّة والمسکنة». ای مردم، اگر به خدا ایمان داریم، اگر قرآن را حقیقتاً نازل شده و صادق حقیقی می‌پنداریم، پس چرا به این که فلسطین از آن شماسست شک می‌کنید؟ بیت‌المقدس از آن شماسست، نه تنها به حکم تاریخ، بلکه به حکم واقعیت‌هایی که واقع‌گرایان آن را نمی‌بینند و قرآن مقدس آن را ابشارت می‌دهد زیرا آن حکیم خبیر علام‌الغیوب نیز هست.

شک کردن در این که فلسطین مال شماسست از کمی ایمان

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله واصحابه

پس از یک ماه گرسنگی و روزه‌داری و تزکیه نفس، هنگامی که مسلمان در اوج عبادت خود است، باید قدس را به یاد آورد، باید دیدگاه و مسیر حرکت خود را در این زمان مقدس که ما از طغیانگری مادیت و قید و بند جسم و فشارهای وقایع آزاد می‌شویم به طرف آن تنظیم کند، باید به سوی این مکان مقدس روی آوریم، این است جوهرهٔ پیام، پیام خمینی(ره). در این دنیا، در این زمانه که فلسطین و جهان در جغرافیا و معنی خلاصه می‌شود و قدس در فلسطین خلاصه می‌شود هنگامی که یک روز حقیقتاً برای قدس اختصاص یابد، روز قدس حال را به شکل تاریخی، جغرافیایی و معنایی خلاصه می‌کند، یعنی مبارزه تا حل مشکل معادلات مختلف ادامه خواهد یافت، یعنی مبارزه تا زمانی که خبیر بزرگ قدرت بگیرد، کامل شود و به مقابله با تمام باطل بشتابد، ادامه دارد.

یعنی دیگر اورشلیمی نباشد بلکه بیت المقدس باشد، بیت‌المقدس که به گفتهٔ محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) تمام روح‌ها فدای آنند در حالی که روحش فدای هیچ‌کس نمی‌شود و حضرت امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در مورد آن فرموده‌اند: «چه نیک جایی است بیت‌المقدس کسی که در آن زندگی می‌کند به مانند یک مجاهد فی سبیل الله است، روزی فرا خواهد رسید که کسانی بگویند، ای کاش ما کاهی در یکی از آجرهای بیت المقدس بودیم».

اورشلیم نبود بلکه این بیت المقدس است که معراج گاه حضرت محمد(ص) از طریق مکان محدود و زمانی مطلق با قدرت و لطف الهی بود، این قبله اول محمد (ص) است که تجلی بخش معنای متصل به آینده و مملو از مبارزه، جنگ، خون و کشتار است، تجلی بخش معنای موعود است که در قیبح شدن چهرهٔ بنی اسرائیل و ورود به مسجدالاقصی، ریشه‌کنی طرح صهیونیستی استوار بر فساد و غلبهٔ شر و طغیان و مادگرایی تجسم یافته است. چه سنگین است واقعیتی که شیطان بزرگ بر قلهٔ هرم آن به تنهایی آرمیده است و لی روز قدس اگر بخواهیم، رویا را به حقیقت مبدل می‌سازد، اگر از رویا محافظت کنیم و آن را از افکار وارده، پافشاری و تلاشمان سیراب کنیم، همیشه به حقیقت می‌انجامد.

چه سنگین است این واقعیت و لی صاحب روز قدس همواره به

## روز رسیدن به خیر بزرگ...

سخنان دکتر فتحی شقایی

در مراسم روز قدس سال ۱۳۷۳



د. ا. ا. ا.

